

۹

سمانه هراتی دوران کودکی خود را در چهره قدیمی محله هاشمیه مرور می‌کند

طعم کشک و زالزالک در خاطره‌های چاشت مدرسه



ایستگاه
اول

فهمیه شهری | سمانه هراتی ۳۳ سال است که در محله هاشمیه سکونت دارد. او از وقتی کودکی شش ساله بود، همراه خانواده به این محله آمد و آباد شدنش در این سال‌ها رادیده است. به گفته خودش، آن زمان از ابتدا تا انتهای هاشمیه کال بوده است و بسیاری از زمین‌های این حوالی، مزروعی بوده‌اند.

آن موقع، خانه دو طبقه پدر سمانه خانم در هاشمیه ۴۹، چشم انداز گسترده‌ای تا بولوار وکیل آباد داشت، اما حالا به خاطر آپارتمان سازی‌های متعدد، حتی خیابان‌های اطرافشان رانمی‌بینند. با او که در خیابان‌های این محله دور می‌زنیم، با لبخندی پر از خاطره می‌گوید: همه خوشی‌های دوران کودکی برایم تازه شد.

ایستگاه
دوم

زن و شوهر پزشکی همسایه مان بودند. دکتر مهران پزشک عمومی بود و همسرش ندا صابری، دندان پزشک. معروف بودند به اینکه دست‌سبکی دارند. از کل هاشمیه و بولوار پیروزی، برای درمان پیش آن‌ها می‌آمدند. خودم هم دندان‌هایم را پیش دکتر صابری درست کردم.

ایستگاه
سوم

اوایل که گاز کشی نبود، برای حمام می‌آمدیم حمام عمومی بولوار فکوری (بین ویلا و صیاد شیرازی). تمیز و پاکیزه از حمام بیرون می‌آمدیم اما نیم ساعت بعد در بازی‌های بچگانه همه لباس‌هایمان پر از خاک و گل می‌شد.

ایستگاه
چهارم

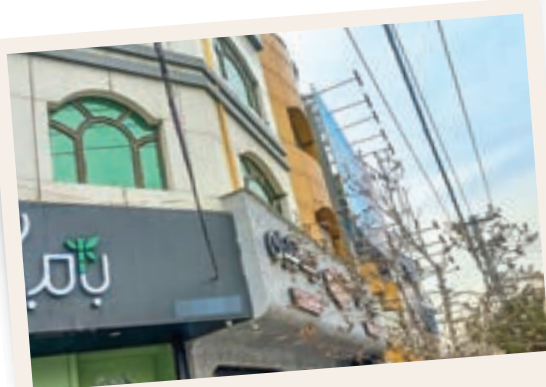
ایستگاه
پنجم

خانم «مشایخی» نامی بود که در خانه‌اش در انتهای هاشمیه ۴۹ کارهای آرایشگری انجام می‌داد. سال ۷۸ اولین عروس محله بودم که برای مراسم نامزدی ام پیش او رفتم.

ایستگاه
ششم

قدیم یک بقالی کوچک نبش هاشمیه ۴۷ بود که قره قروت و کشک‌های لوزی می‌فروخت. چاشت مدرسه من همین‌ها بود. البته فصل زالزالک که می‌شد، این میوه هم به چاشتم اضافه می‌شد. وقتی می‌بینم بچه‌های الان با هله هوله بزرگ می‌شوند، ناراحت می‌شوم. الان یک سوپری شبانه روزی جای آن را گرفته است.

کرایه چی مهدی آقای دهنوی در هاشمیه ۵۱ قرار داشت. هر کس مراسم و مهمانی داشت، از آنجا ظرف می‌گرفت. پدرم ماه رمضان افطاری می‌داد و ظرف‌ها و میز و صندلی را از آقای دهنوی تهیه می‌کرد. مراسم عقد من هم با ظرف‌های آنجا برگزار شد.



عکس: فهمیه شهری/شهرآرا